



تبیین توسعه سبک زندگی اسلامی در گام دوم انقلاب

داود گوهری^۱، علی حسین سنیح^۲

۳

دوره ۱، شماره ۳، پیاپی ۳
زمستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۹/۱۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۱۱/۲۰

صص: ۲۷-۴۰

شماره الکترونیکی: ۳۱۱۵-۸۸۶۲



چکیده
بیانیه «گام دوم انقلاب اسلامی» که در سال ۱۳۹۷ از سوی مقام معظم رهبری صادر شد، چارچوبی راهبردی برای استمرار و تعمیق انقلاب اسلامی در دهه‌های پیش‌رو ترسیم می‌کند. در این سند تمدنی، «سبک زندگی اسلامی» نه تنها یک توصیه اخلاقی، بلکه مؤلفه‌ای بنیادین در تحقق تمدن نوین اسلامی و تضمین تداوم هویت انقلابی جامعه معرفی شده است. پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی — توصیفی، به تبیین جایگاه و سازوکار توسعه سبک زندگی اسلامی در چارچوب گام دوم انقلاب می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که سبک زندگی اسلامی، با اتکا به مبانی معرفت‌ایمانی و بر اساس اصل تأثیر متقابل رفتار و باور، نقشی راهبردی در نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی، انتقال سرمایه هویتی انقلاب به نسل جوان و مقابله با تهاجم فرهنگی غرب ایفا می‌کند. همچنین روشن می‌شود که استمرار انقلاب اسلامی، بیش و پیش از تحولات ساختاری، در گرو تحول در الگوهای زیست فردی و اجتماعی است. بر این اساس، توسعه سبک زندگی اسلامی به مثابه زیربنای فرهنگی گام دوم انقلاب، شرط تحقق جامعه‌ای مبتنی بر عدالت، معنویت و کرامت انسانی خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: ایران سبک زندگی اسلامی، گام دوم انقلاب، تداوم انقلاب اسلامی، معرفت

ایمانی، تهاجم فرهنگی.

DOI: 10.22034/syssir.2026.2085570.1016

استناد: گوهری، داود؛ سنیح، علی حسین (۱۴۰۴). تبیین توسعه سبک زندگی اسلامی در گام دوم انقلاب، پژوهش‌های

راهبردی گام دوم انقلاب اسلامی، ۱(۳)، ۲۷-۴۰.

۱. استادیار، گروه الهیات، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

D.gohari@razi.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ تحولی شگرف در تاریخ معاصر ایران و جهان اسلام بود که بیش از آنکه یک تغییر سیاسی باشد، یک انقلاب فرهنگی، دینی و اجتماعی بود. این انقلاب به رهبری امام خمینی (ره) با هدف بازسازی هویت دینی، احیای آموزه‌های اسلامی و تحقق عدالت اجتماعی در ایران شکل گرفت. پس از گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، مقام معظم رهبری در بیانیه‌ای تحت عنوان «گام دوم انقلاب اسلامی» به بازتعریف اهداف و مسیر حرکت جمهوری اسلامی ایران پرداختند و موضوع «سبک زندگی اسلامی» را به عنوان یکی از ارکان اصلی تحقق اهداف انقلاب در آینده مطرح کردند.

انقلاب اسلامی ایران از آغاز، صرفاً یک دگرگونی سیاسی نبود، بلکه حرکتی عمیق در جهت احیای اسلام ناب و بازسازی حیات دینی جامعه به‌شمار می‌رفت. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، کانون توجه آیت‌الله خامنه‌ای بر «احیای انقلاب اسلامی» پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله قرار داشت و ایشان با تلاش‌های نظری و عملی می‌کوشیدند آگاهی عمومی را برای تحقق این هدف برانگیزند (خامنه‌ای، دو امام مجاهد، ۱۳۹۶). پس از استقرار نظام اسلامی در ایران، با درس‌آموزی از تجربه‌های تاریخی صدر اسلام و سرگذشت انقلاب نبوی و ائمه هدی علیهم‌السلام، محور اساسی اندیشه ایشان بر «صیانت و استمرار انقلاب» به عنوان مهم‌ترین وظیفه دوران پس از پیروزی متمرکز شد (خامنه‌ای، ۲۹ دی ۱۳۸۸).

انقلاب اسلامی در مرحله شکل‌گیری، از یک‌سو ریشه در تعالیم اسلام داشت و از سوی دیگر بر پشتوانه مردمی استوار بود؛ و از آنجا که بقای هر پدیده‌ای به عوامل پدیدآورنده آن وابسته است، تداوم این انقلاب نیز در گرو پابندی جامعه به زیست دینی و نهادینه‌شدن ارزش‌های اخلاقی اسلام به‌عنوان معیارهای مسلط اجتماعی خواهد بود (خامنه‌ای، ۲۶ مهر ۱۳۶۸). در این چارچوب، مسئله سبک زندگی در میان نسل جوان اهمیت دوچندان می‌یابد؛ زیرا «پیشران حرکت انقلاب، جوان‌ها هستند» (خامنه‌ای، ۳ آذر ۱۳۹۵). اهتمام مستمر آیت‌الله خامنه‌ای - چه پیش و چه پس از انقلاب - به پرورش نوجوانان و جوانان با محوریت قرآن کریم، حاکی از توجه عمیق ایشان به آینده انقلاب و ضرورت تضمین استمرار آن از همان سال‌های نخستین است.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که در سال ۱۳۹۷ منتشر شد، نگرشی تازه به ابعاد مختلف جامعه اسلامی و نیازهای آن در شرایط جدید دارد. در این بیانیه، به‌ویژه در مواجهه با چالش‌های جهانی و تهدیدات فرهنگی غربی، ترویج سبک زندگی اسلامی به عنوان یکی از اصول بنیادین تحقق تمدن نوین اسلامی و حفظ هویت دینی جامعه تأکید شده است. در این مقاله، تلاش می‌شود تا جایگاه سبک زندگی اسلامی در تداوم انقلاب اسلامی، با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب و نیز اندیشه‌های رهبر انقلاب اسلامی، تحلیل و بررسی شود.

مفهوم‌شناسی سبک زندگی اسلامی

پیش از ارائه تعریف اصطلاحی، لازم است به تبیین معنای مفهومی «سبک زندگی» پرداخته شود. اصطلاح «سبک زندگی» نسبت به مفهوم عام «زندگی» دایره‌ای محدودتر دارد. واژه «سبک» هم‌معنای «سیره» در زبان عربی است که به چگونگی و نوع عمل اشاره دارد و لغت‌شناسان آن را به معنای طریقه و روش دانسته‌اند (طریحی، ۱۳۷۵؛ راغب اصفهانی، ۱۳۶۲). شهید مطهری نیز «سیره» را بیانگر نوع و شیوه رفتار معرفی کرده است (مطهری، ۱۳۸۹). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علاوه بر تعبیر «سبک زندگی»، از واژگانی همچون «روش زندگی» و «عادات زندگی» بهره برده‌اند (خامنه‌ای، ۲۳ مهر ۱۳۹۱؛ ۱۴ دی ۱۳۹۴) و نیز تعبیر «چگونگی مشی زندگی» را به کار برده‌اند (خامنه‌ای، ۵ مهر ۱۳۹۵). بر این مبنا، سبک زندگی ناظر به کیفیت و الگوی رفتارهای پایدار و عادت‌شده در ساحت فردی و اجتماعی است. سبک زندگی اسلامی به مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهایی اطلاق می‌شود که بر اساس اصول و تعالیم دینی اسلام، در راستای تحقق اهداف اجتماعی و فردی مسلمانان شکل می‌گیرد. این سبک زندگی نه تنها به‌عنوان یک الگوی شخصی برای زندگی فردی مطرح است، بلکه به‌طور گسترده در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار است. اصولی همچون رعایت حقوق فردی و اجتماعی، احترام به حقوق دیگران، حفظ عدالت و تحقق برابری در میان افراد جامعه، همه بخشی از هویت یک مسلمان را تشکیل می‌دهند.

سبک زندگی اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، سنت نبوی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و تعالیم اهل بیت (علیهم‌السلام) تنظیم می‌شود. قرآن کریم در آیات مختلف خود تأکید می‌کند که رفتار فردی و اجتماعی مسلمان باید در راستای تأسیس جامعه‌ای با ویژگی‌های اخلاقی و انسانی باشد که به‌طور

مستقیم به اصلاح فرد و جامعه منتهی شود. برای مثال، در قرآن کریم آمده است: "وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا" (بقره: ۸۳)، که به اهمیت داشتن برخورد شایسته و اخلاقی با دیگران تأکید دارد.

سبک زندگی اسلامی در چهار بُعد اساسی قابل بررسی است:

ابعاد اخلاقی: در سبک زندگی اسلامی، اخلاق فردی و اجتماعی یکی از ارکان اساسی به‌شمار می‌آید. فرد مسلمان باید در تعاملات خود با دیگران بر اساس اصول اخلاقی اسلام نظیر صداقت، عدالت، تواضع، احترام به حقوق دیگران و دیگر ویژگی‌های نیکو رفتار کند. در این زمینه، آموزه‌های قرآن و سنت نبوی جایگاه ویژه‌ای دارند. در قرآن کریم آمده است: "وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ" (قلم: ۴)، که به اخلاق والای پیامبر اسلام اشاره دارد و الگوی مناسبی برای مسلمانان در برخورد با دیگران است. علاوه بر این، در سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز اصول اخلاقی همچون احترام به بزرگ‌ترها، محبت به کوچک‌ترها و در نهایت ترویج عدالت اجتماعی دیده می‌شود.

ابعاد اقتصادی: در سبک زندگی اسلامی، اصول اقتصادی نیز به‌شدت مورد توجه قرار دارد. اقتصاد اسلامی نه تنها به تأمین نیازهای مادی فرد می‌پردازد، بلکه به‌طور هم‌زمان به مسائل معنوی و اخلاقی توجه دارد. برای مثال، در اسلام تأکید زیادی بر کسب درآمد از راه‌های حلال و استفاده از منابع به‌طور عادلانه و بهینه وجود دارد. قرآن کریم در آیه‌ای می‌فرماید: "وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا" (بقره: ۲۷۵)، که به حلیت کسب درآمد از راه تجارت حلال و حرمت ربا اشاره دارد. رعایت اصول عدالت اقتصادی در توزیع منابع و درآمدها نیز از جمله الزامات این سبک زندگی است. بر اساس روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)، استفاده از امکانات و منابع باید به‌طور عادلانه و برای رفاه عمومی باشد.

ابعاد اجتماعی: سبک زندگی اسلامی بر روابط انسانی و اجتماعی تأکید دارد. در این سبک زندگی، روابط فردی و اجتماعی باید بر اساس همکاری، محبت و احترام متقابل شکل گیرد. احترام به حقوق دیگران و تلاش برای تقویت پیوندهای اجتماعی از ویژگی‌های بارز سبک زندگی اسلامی است. در قرآن کریم آمده است: "وَعَاشِرُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ" (نساء: ۱۹)، که به شیوه‌ای مناسب و اخلاقی در روابط خانوادگی اشاره دارد و بر تقویت پیوندهای خانوادگی تأکید می‌کند. همچنین، اسلام به‌ویژه به تقویت نهاد خانواده به‌عنوان واحد بنیادین جامعه اهمیت می‌دهد و خانواده را مکانی برای تربیت انسان‌های صالح و مؤمن می‌داند. در سیره اهل بیت (علیهم‌السلام)، نمونه‌های بی‌نظیری از روابط خانوادگی سالم و متعادل وجود دارد که می‌تواند به‌عنوان الگویی برای جامعه اسلامی به‌شمار آید.

ابعاد فرهنگی: یکی از مهم‌ترین ابعاد سبک زندگی اسلامی توجه به تربیت فرهنگی و دینی است. این بعد به‌ویژه در فرآیند تربیت نسل جوان اهمیت دارد. تربیت اسلامی باید به گونه‌ای باشد که افراد از همان دوران کودکی با اصول دینی و اخلاقی آشنا شوند و در زندگی خود به آن‌ها عمل کنند. در این راستا، قرآن و احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) همواره به اهمیت آموزش دینی و فرهنگی تأکید کرده‌اند. در قرآن آمده است: "يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ" (آل عمران: ۱۶۴)، که به وظیفه تعلیم و تربیت صحیح نسل‌ها اشاره دارد. در این سبک زندگی، فرد مسلمان باید به‌طور پیوسته به یادگیری و ارتقاء سطح دانش دینی خود بپردازد.

در نهایت، سبک زندگی اسلامی با هدف ایجاد جامعه‌ای سالم، عادلانه، بااخلاق و معنوی در تلاش است. هدف از پیروی از این سبک زندگی، تحقق یک جامعه اسلامی است که در آن عدالت اجتماعی، اخلاق انسانی و آرامش فردی در کانون توجه قرار داشته باشد. از این رو، پیروی از این اصول نه تنها به فرد بلکه به کل جامعه نفع می‌رساند و آن را به‌سوی توسعه پایدار و متوازن رهنمون می‌شود.

سبک زندگی اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به‌عنوان سندی راهبردی و آینده‌نگر، نقشه راه تداوم و تعمیق انقلاب اسلامی در دهه‌های پیش‌رو را ترسیم می‌کند. یکی از محورهای بنیادین این بیانیه، تأکید بر ضرورت بازتعریف و نهادینه‌سازی «سبک زندگی اسلامی» در عرصه‌های فردی و اجتماعی است. مقام معظم رهبری در این بیانیه، تحقق تمدن نوین اسلامی را بدون اصلاح و تحول در سبک زندگی ممکن نمی‌داند و آن را حلقه‌ای اساسی در استمرار انقلاب اسلامی معرفی می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷). از منظر رهبر انقلاب، سبک زندگی اسلامی صرفاً مجموعه‌ای از مناسک فردی نیست، بلکه نظامی جامع از ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای رفتاری است که تمام ابعاد حیات انسان، از خانواده و اقتصاد گرفته تا فرهنگ مصرف، روابط اجتماعی، آموزش، رسانه و اوقات فراغت را دربرمی‌گیرد. ایشان تأکید می‌کنند که اگر انقلاب اسلامی در سطح ساختارهای سیاسی و حقوقی متوقف بماند و به لایه‌های عمیق فرهنگی و رفتاری جامعه نفوذ نکند، در معرض فرسایش و استحاله فرهنگی قرار خواهد گرفت (خامنه‌ای، ۱۴۰۰).

رهبر انقلاب اسلامی، یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی جامعه اسلامی را گسترش سبک زندگی غربی می‌داند؛ سبکی که بر مبنای فردگرایی افراطی، مصرف‌گرایی، لذت‌محوری و سکولاریسم شکل گرفته و به‌طور تدریجی هویت دینی و فرهنگی جوامع اسلامی را تضعیف می‌کند. به باور ایشان، نفوذ این سبک زندگی، نه از مسیر تقابل نظامی، بلکه از طریق ابزارهای نرم مانند رسانه، فضای مجازی، مد و الگوهای مصرف صورت می‌گیرد و مقابله با آن نیازمند آگاهی فرهنگی و بازسازی هویت اسلامی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

در بیانیه گام دوم انقلاب، نقش جوانان در تحقق سبک زندگی اسلامی برجسته شده است. مقام معظم رهبری، جوانان را موتور محرک انقلاب و حاملان اصلی گام دوم می‌داند و از آنان می‌خواهد با خودسازی، بصیرت دینی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، الگوی عملی سبک زندگی اسلامی باشند. از نگاه ایشان، آینده انقلاب اسلامی در گرو آن است که نسل جوان بتواند میان پیشرفت علمی و پایبندی به ارزش‌های دینی پیوندی معنادار برقرار کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

در منظومه فکری رهبر انقلاب، اصلاح سبک زندگی صرفاً یک توصیه اخلاقی نیست، بلکه بر مبنای یک تحلیل معرفتی و تربیتی استوار است. در دستگاه تربیتی آیت‌الله خامنه‌ای، یکی از مبانی اساسی، تأثیر دوسویه رفتار، باور و گرایش است. به تعبیر ایشان، «عمل صالح هم انسان را به ایمان دلالت می‌کند...» (خامنه‌ای، ۲۰ آبان ۱۳۸۳) و در مقابل «عمل بد، به تغییر باورها منتهی می‌شود» (خامنه‌ای، ۲۳ خرداد ۱۳۹۰). تداوم رفتار می‌تواند استعدادها و وجودی انسان را به مراتب بالاتر ارتقا دهد (خسروپناه، ۱۳۹۶) و آگاهی را به ایمان راسخ تبدیل کند (امام خمینی، ۱۳۹۲؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۳). این معنا در منطق قرآن نیز مورد تأکید است؛ چنان‌که کردار نادرست می‌تواند دگرگونی در باور ایجاد کند (قرآن کریم، روم: ۱۰) و در سوی دیگر، عمل صالح زمینه تعالی عقاید حق را فراهم می‌آورد (قرآن کریم، فاطر: ۱۰). علامه طباطبایی ضمیر «یرفعه» را به عقاید حق بازگردانده و تصریح می‌کند که تکرار عمل صالح موجب استحکام بیشتر اعتقاد می‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۳).

از این رو، سبک زندگی ابزاری راهبردی برای اصلاح یا تغییر نگرش‌ها و باورها به شمار می‌آید و همین امر، جایگاه آن را در گام دوم انقلاب برجسته می‌سازد. در مجموع، سبک زندگی اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، نه تنها یک توصیه اخلاقی، بلکه راهبردی تمدنی برای مقاومت فرهنگی، حفظ هویت اسلامی و تحقق جامعه‌ای مبتنی بر عدالت، معنویت و کرامت انسانی است. این سبک زندگی،

زمینه‌ساز شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی و پاسخ‌گویی به چالش‌های فرهنگی و اجتماعی جهان معاصر خواهد بود.

تأثیرات و چالش‌های فرهنگی غربی

در دنیای امروز، فرهنگ غربی به‌ویژه از طریق رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و فرهنگ مصرفی، تأثیرات زیادی بر سبک زندگی افراد در جوامع مختلف گذاشته است. این تأثیرات به‌ویژه در کشورهای غیرغربی، نظیر ایران، که در معرض فرهنگ‌های بومی و دینی خود هستند، تأثیرات فرهنگی عمیقی بر جای گذاشته است. تأثیرات منفی این فرهنگ‌ها به‌ویژه در زمینه‌های فردگرایی، مصرف‌گرایی و بی‌توجهی به اصول اخلاقی اسلام آشکار است.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، در برابر این تهاجم فرهنگی، به بازگشت به اصول اسلامی و ترویج سبک زندگی اسلامی به‌عنوان یک راهکار مؤثر برای مقابله با این تهدیدات تأکید می‌کند. بر اساس این بیانیه، برای حفظ هویت دینی و مقابله با تهاجم فرهنگی غربی، باید سبک زندگی اسلامی در تمامی ابعاد آن بازتعریف و در جامعه ترویج شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

ابعاد مختلف سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی اسلامی مفهومی چندبعدی و جامع است که تمامی ساحت‌های زندگی انسان را در بر می‌گیرد و به‌دنبال ایجاد هماهنگی میان نیازهای مادی و معنوی انسان بر اساس تعالیم الهی است. این سبک زندگی، برخلاف الگوهای تقلیل‌گرایانه رایج در فرهنگ مدرن، انسان را موجودی تک‌ساحتی نمی‌داند، بلکه او را دارای ابعاد اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌بیند که باید به‌صورت متوازن رشد یابند.

بعد اخلاقی، زیربنای اصلی سبک زندگی اسلامی به‌شمار می‌رود. در این بعد، ارزش‌هایی همچون صداقت، امانت‌داری، تواضع، عدالت، صبر و احترام به کرامت انسانی نقش محوری دارند. آیت‌الله جوادی‌آملی تأکید می‌کند که اخلاق اسلامی نه تنها ناظر به رفتار فردی، بلکه تنظیم‌کننده

روابط اجتماعی و ساختارهای کلان جامعه است. از این منظر، بدون نهادینه شدن اخلاق، تحقق جامعه اسلامی امکان پذیر نخواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۳).

بُعد اقتصادی سبک زندگی اسلامی بر مبنای عدالت، اعتدال و مسئولیت پذیری اجتماعی استوار است. در این الگو، کسب روزی حلال، پرهیز از ربا، رعایت انصاف در معاملات، حمایت از اقشار ضعیف و پرهیز از اسراف و تجمل گرایی مورد تأکید قرار می گیرد. فاضلی با تحلیل الگوهای مصرف، بیان می کند که سبک زندگی اسلامی در برابر مصرف گرایی افراطی نظام سرمایه داری، الگویی مبتنی بر قناعت، عقلانیت و اخلاق اقتصادی ارائه می دهد که می تواند به کاهش نابرابری های اجتماعی منجر شود (فاضلی، ۱۳۹۸).

بُعد اجتماعی سبک زندگی اسلامی، بر تقویت پیوندهای انسانی، همبستگی اجتماعی و مسئولیت پذیری متقابل تأکید دارد. در این چارچوب، روابط اجتماعی باید بر اساس محبت، تعاون، عدالت و رعایت حقوق دیگران شکل گیرد. خانواده به عنوان بنیادی ترین نهاد اجتماعی، جایگاهی ویژه در سبک زندگی اسلامی دارد و تحکیم آن، نقش تعیین کننده ای در سلامت روانی و اخلاقی جامعه ایفا می کند. شریفی معتقد است که تضعیف خانواده، زمینه ساز بروز بسیاری از آسیب های اجتماعی در جوامع معاصر است و سبک زندگی اسلامی می تواند پاسخی کارآمد به این بحران ارائه دهد (شریفی، ۱۳۹۱).

بُعد فرهنگی سبک زندگی اسلامی، ناظر به حاکمیت ارزش ها و هنجارهای اسلامی در عرصه های مختلف فرهنگی از جمله آموزش، رسانه، هنر و الگوهای رفتاری است. در این بعد، تربیت دینی، تقویت هویت اسلامی، روحیه جهاد، مقاومت فرهنگی و مقابله با تهاجم نرم دشمنان مورد توجه قرار می گیرد. فرهنگ اسلامی باید به گونه ای در زندگی روزمره جریان یابد که فرد مسلمان بتواند در عین تعامل با جهان معاصر، هویت دینی خود را حفظ کرده و تقویت کند.

در مجموع، ابعاد مختلف سبک زندگی اسلامی، شبکه ای به هم پیوسته از ارزش ها و رفتارها را شکل می دهند که هدف نهایی آن، تحقق حیات طیبه، رشد متوازن انسان و شکل گیری جامعه ای مبتنی بر عدالت، معنویت و کرامت انسانی است.

نقش سبک زندگی اسلامی در تداوم انقلاب اسلامی

تبیین نقش سبک زندگی در استمرار انقلاب اسلامی، بدون توجه به مبانی معرفتی ورود به عرصه دینداری کامل نخواهد بود. در منظومه فکری رهبر انقلاب، گام نهادن در عرصه دینداری با «معرفت ایمانی» ممکن و حتی بسنده دانسته شده است؛ بلکه این سنخ معرفت در مقایسه با «معرفت استدلالی»، تأثیرگذارتر و محرک‌تر در عرصه عمل معرفی می‌شود (خامنه‌ای، ۱۴ بهمن ۱۳۷۶). درباره ایمان آوردن ابوذر نیز به همین نکته اشاره شده است (همان)

چنین معرفتی که جایگاه آن قلب انسان است (خامنه‌ای، ۱۳۵۴)، می‌تواند از مسیرهای گوناگون حاصل شود؛ خواه از رهگذر تربیت خانوادگی باشد و «چه آن را پدر و مادر به انسان بدهند...» (خامنه‌ای، ۱۴ بهمن ۱۳۷۶)، و در هر صورت «آن برای انسان خیلی بیشتر به کار می‌آید، تا آن استدلال‌ها» (همان). البته این سخن به معنای بی‌اعتبار دانستن معرفت استدلالی نیست (همان).

بر اساس آیه ۴۲ سوره انفال، اگر مراد از هلاکت و حیات را گرایش به کفر و ایمان بدانیم (مدرسی، ۱۳۷۷)، ملاک و حجت در پذیرش دین «بینه» است. بینه به معنای نشانه و راهنمای روشن تعریف شده است (طباطبایی، ۱۳۶۳). این مفهوم تنها به براهین رایج کلامی و فلسفی محدود نمی‌شود؛ بلکه دیدن کرامت یا معجزه‌ای از اولیای الهی (قرآن کریم، طه: ۲۲)، دریافت‌های فطری (قرآن کریم، روم: ۳۰)، مشاهده پیروزی غیرمنتظره سپاه اسلام (قرآن کریم، انفال: ۴۲) یا تحقق وعده‌ای الهی (قرآن کریم، احزاب: ۲۲) نیز در شمار مصادیق بینه قرار می‌گیرند. از این منظر، اصل وقوع انقلاب اسلامی و نیز پیروزی در دفاع مقدس هشت‌ساله را می‌توان از جلوه‌های بیانات الهی دانست.

سبک زندگی اسلامی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادین انقلاب اسلامی، نقشی تعیین‌کننده در تداوم، پایداری و تعمیق این انقلاب ایفا می‌کند. انقلاب اسلامی ایران، برخلاف بسیاری از انقلاب‌های سیاسی معاصر، ماهیتی فرهنگی - ارزشی دارد و هدف آن صرفاً تغییر ساختار قدرت سیاسی نبوده، بلکه دگرگونی در نگرش‌ها، باورها و شیوه زیست فردی و اجتماعی انسان‌ها را دنبال می‌کند. از این منظر، تداوم انقلاب اسلامی در گرو آن است که ارزش‌های دینی و انقلابی در متن زندگی روزمره مردم نهادینه شود (مطهری، ۱۳۸۷).

اندیشمندان اسلامی بر این باورند که هر نظام اجتماعی زمانی پایدار می‌ماند که میان ارزش‌های حاکم و رفتارهای واقعی مردم هماهنگی وجود داشته باشد. در همین راستا، سبک زندگی اسلامی

می‌تواند پیوندی عمیق میان آرمان‌های انقلاب و کنش‌های روزمره شهروندان برقرار کند. به تعبیر شهید مطهری، اگر ارزش‌های دینی تنها در سطح شعار باقی بمانند و به عمل اجتماعی تبدیل نشوند، به تدریج کارکرد خود را از دست خواهند داد (مطهری، ۱۳۸۷).

نقش سبک زندگی اسلامی در تداوم انقلاب، به‌ویژه در حوزه مقابله با تهدیدات فرهنگی و هویتی اهمیت دوچندان می‌یابد. امروزه، بسیاری از چالش‌های پیش‌روی انقلاب اسلامی نه از مسیر تقابل سخت، بلکه از طریق تغییر ذائقه‌ها، الگوهای مصرف، روابط اجتماعی و سبک زیست جوانان صورت می‌گیرد. جوادی‌آملی معتقد است که سبک زندگی اسلامی با تأکید بر معنویت، عدالت، قناعت و مسئولیت‌پذیری، می‌تواند به‌عنوان سپری فرهنگی در برابر استحاله هویتی جامعه اسلامی عمل کند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۳).

از سوی دیگر، سبک زندگی اسلامی نقشی اساسی در انتقال ارزش‌های انقلاب اسلامی به نسل‌های آینده دارد. انقلاب‌ها زمانی دچار افول می‌شوند که نتوانند آرمان‌های خود را به نسل‌های بعدی منتقل کنند. شریفی بر این نکته تأکید می‌کند که خانواده و نظام تربیتی، به‌عنوان بستر اصلی شکل‌گیری سبک زندگی، نقشی کلیدی در بازتولید هویت دینی و انقلابی دارند و غفلت از این حوزه، موجب گسست نسلی و تضعیف سرمایه اجتماعی انقلاب خواهد شد (شریفی، ۱۳۹۱).

همچنین، سبک زندگی اسلامی با تقویت اخلاق اجتماعی، اعتماد عمومی و همبستگی اجتماعی، زمینه‌ساز افزایش مشارکت اجتماعی و سیاسی مردم می‌شود. فاضلی با تحلیل تحولات اجتماعی معاصر ایران، نشان می‌دهد که هرچه فاصله میان ارزش‌های رسمی نظام و سبک زندگی واقعی مردم کاهش یابد، میزان تعلق اجتماعی و پایداری نظام سیاسی افزایش خواهد یافت (فاضلی، ۱۳۹۸).

بر این اساس، اگر انقلاب اسلامی خود بر پایه بینه شکل گرفته و تداوم یافته است، حفظ آن نیز مستلزم تقویت همان بستر ایمانی در ساحت عمل اجتماعی است؛ و این مهم، جز از طریق نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی در متن زندگی فردی و جمعی میسر نخواهد بود. در مجموع، سبک زندگی اسلامی را می‌توان زیربنای فرهنگی تداوم انقلاب اسلامی دانست. این سبک زندگی، انقلاب را از یک رخداد تاریخی به جریانی زنده، پویا و تمدن‌ساز تبدیل می‌کند و با نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی در زندگی فردی و اجتماعی، زمینه تحقق اهداف بلندمدت انقلاب اسلامی، از جمله عدالت اجتماعی و تمدن نوین اسلامی، را فراهم می‌سازد.

راهکارهای مقابله با تهاجم فرهنگی غرب

تهاجم فرهنگی غرب یکی از مهم‌ترین چالش‌های جوامع اسلامی در عصر جهانی شدن به‌شمار می‌رود؛ پدیده‌ای که با بهره‌گیری از ابزارهای نرم مانند رسانه، نظام آموزشی، فضای مجازی و الگوهای مصرف، در پی تغییر باورها، ارزش‌ها و سبک زندگی جوامع هدف است. برای مقابله مؤثر با این پدیده، صرفاً رویکردهای سلبی و محدودکننده کافی نیست، بلکه لازم است جریان‌های فرهنگی و آموزشی جامعه با برنامه‌ریزی دقیق و بلندمدت، به ترویج فعال و آگاهانه سبک زندگی اسلامی بپردازند (مطهری، ۱۳۸۷).

یکی از اساسی‌ترین راهکارها در مقابله با تهاجم فرهنگی، تقویت نظام آموزشی مبتنی بر هویت اسلامی - ایرانی است. نظام آموزش رسمی و غیررسمی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که علاوه بر انتقال دانش، به تربیت اخلاقی، تقویت تفکر انتقادی و خودباوری فرهنگی دانش‌آموزان و دانشجویان بپردازد. به باور جوادی‌آملی، آموزش دینی زمانی اثرگذار خواهد بود که به‌صورت عقلانی، عمیق و متناسب با نیازهای زمان ارائه شود و از سطح آموزش‌های شعاری فراتر رود (جوادی‌آملی، ۱۳۸۳).

توجه ویژه به نسل جوان از دیگر راهکارهای کلیدی در این زمینه است. جوانان، بیشترین تأثیرپذیری را از جریان‌های فرهنگی جهانی دارند و در عین حال، بیشترین ظرفیت را برای تولید و بازتولید فرهنگ اسلامی در اختیار دارند. شریفی تأکید می‌کند که تقویت هویت دینی جوانان از طریق خانواده، مدرسه، دانشگاه و رسانه، می‌تواند آنان را در برابر جریان‌های فکری و فرهنگی غربی مقاوم سازد و از بروز بحران هویت جلوگیری کند (شریفی، ۱۳۹۱).

از سوی دیگر، نقش رسانه‌ها و فضای مجازی در مقابله با تهاجم فرهنگی غیرقابل انکار است. تولید محتوای جذاب، خلاقانه و متناسب با ذائقه نسل جدید، با محوریت ارزش‌های اسلامی و بومی، می‌تواند به‌عنوان جایگزینی مؤثر برای محصولات فرهنگی وارداتی عمل کند. فاضلی معتقد است که اگر الگوهای فرهنگی بومی نتوانند پاسخ‌گوی نیازهای واقعی نسل جوان باشند، زمینه‌گرایش به الگوهای غربی به‌طور طبیعی فراهم خواهد شد (فاضلی، ۱۳۹۸).

تحکیم نهاد خانواده نیز از مهم‌ترین راهکارهای مقابله با تهاجم فرهنگی به‌شمار می‌رود. خانواده، نخستین بستر جامعه‌پذیری فرهنگی است و نقش تعیین‌کننده‌ای در انتقال ارزش‌ها و هنجارهای دینی

دارد. تضعیف خانواده، یکی از اهداف پنهان تهاجم فرهنگی است و تقویت کارکردهای تربیتی و اخلاقی آن می‌تواند به عنوان سدی مستحکم در برابر نفوذ فرهنگی عمل کند (مطهری، ۱۳۸۷). در این چارچوب، باید توجه داشت که دشمنان انقلاب اسلامی، تمرکز خود را بر دگرگونی سبک زندگی با هدف تأثیرگذاری بر باورهای جامعه قرار داده‌اند (خامنه‌ای، ۱۴ دی ۱۳۹۴). مواجهه مؤثر با این رویکرد، در گرو گسترش و تعمیق سبک زندگی مبتنی بر آموزه‌های دینی است. در سنت تربیت اسلامی نیز بر تقدم اصلاح رفتارهای ظاهری بر تهذیب درونی تأکید شده است (تهرانی، ۱۳۹۰). رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم و نیز در دیدار با دانشجویان، بار اصلی این مجاهدت فرهنگی را متوجه نسل جوان دانسته‌اند (خامنه‌ای، ۱۷ خرداد ۱۳۹۶).

توجه ویژه ایشان به جلوه‌های دینداری در میان جوانان - از جمله اعتکاف، اردوهای جهادی و راهپیمایی اربعین - بیانگر جایگاه راهبردی سبک زندگی در حفظ و استمرار انقلاب اسلامی است. در مجموع، مقابله با تهاجم فرهنگی غرب نیازمند رویکردی ایجابی، چندبعدی و هماهنگ است که در آن، آموزش، رسانه، خانواده و نهادهای فرهنگی با هدف تقویت سبک زندگی اسلامی و هویت دینی جامعه، به صورت هم‌افزا عمل کنند. تنها در چنین شرایطی می‌توان از هویت فرهنگی جامعه اسلامی صیانت کرده و در برابر تهدیدات نرم فرهنگی مقاومت مؤثر ایجاد نمود.

نتیجه‌گیری

سبک زندگی اسلامی بر سه پایه اساسی استوار است: نخست، مبنای معرفتی آن که در قالب «معرفت ایمانی» و مفهوم «بینه» قابل تبیین است؛ دوم، سازوکار تربیتی آن که بر اصل تأثیر متقابل رفتار و باور تأکید دارد؛ و سوم، کارکرد تمدنی آن که در قالب مقابله با تهاجم فرهنگی و زمینه‌سازی برای تحقق تمدن نوین اسلامی ظهور می‌یابد. بر اساس این مبانی، تحول در سبک زندگی نه پیامد صرف تحول ساختاری، بلکه پیش‌شرط تعمیق و تثبیت آن است. در گام دوم انقلاب، مسئله اصلی دیگر صرفاً تثبیت نظام سیاسی نیست، بلکه حرکت به سوی جامعه‌سازی و تمدن‌سازی است. این مرحله مستلزم آن است که ارزش‌هایی همچون عدالت، معنویت، مسئولیت‌پذیری، قناعت، همبستگی اجتماعی و کرامت انسانی از سطح گفتمان رسمی به

سطح عادت‌های رفتاری و الگوهای عملی جامعه منتقل شوند. چنین انتقالی تنها در پرتو توسعه آگاهانه و نظام‌مند سبک زندگی اسلامی ممکن خواهد بود.

از سوی دیگر، چالش‌های فرهنگی جهان معاصر - به‌ویژه نفوذ الگوهای غربی مبتنی بر فردگرایی افراطی، مصرف‌گرایی و سکولاریسم نرم - نشان می‌دهد که میدان اصلی تقابل، میدان «سبک زندگی» است. در این عرصه، مقابله سلبی و محدودکننده کافی نیست؛ بلکه باید با تولید الگوهای جذاب، عقلانی و کارآمد از زیست اسلامی، میدان کنش فرهنگی را فعالانه مدیریت کرد. در این میان، نسل جوان نقش محوری دارد؛ زیرا هم بیشترین تأثیرپذیری را دارد و هم بیشترین ظرفیت را برای بازتولید فرهنگی در اختیار دارد.

در نهایت می‌توان گفت که توسعه سبک زندگی اسلامی، نه یک پروژه مقطعی، بلکه فرآیندی مستمر و چندبعدی است که نیازمند هم‌افزایی نهادهای آموزشی، رسانه‌ای، فرهنگی و خانواده است. اگر این توسعه به‌درستی صورت گیرد، انقلاب اسلامی از یک رخداد تاریخی به یک جریان زنده و تمدن‌ساز تبدیل خواهد شد؛ جریانی که می‌تواند ضمن حفظ هویت دینی جامعه، الگویی نوین از پیشرفت معنوی و مادی را در برابر جهان معاصر عرضه کند. بدین ترتیب، سبک زندگی اسلامی را باید زیربنای فرهنگی تحقق گام دوم انقلاب و شرط اساسی عبور موفق از این مرحله تاریخی دانست.

فهرست منابع

قرآن کریم

- تهرانی، مجتبی (۱۳۹۰). ادب الهی (تربیت مربی)، موسسه پژوهشی فرهنگی مصابیح الهدی. جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۳). مفاتیح الحیات. قم: موسسه دارالحدیث.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۵۴). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، انتشارات صهبا.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۶). گفت و شنود با جمعی از جوانان و نوجوانان، در تاریخ: ۱۴ بهمن.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۶). گفت و شنود با جمعی از جوانان و نوجوانان، در تاریخ: ۱۴ بهمن.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، نشر صهبا.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶). دو امام مجاهد، ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۰). بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۶). منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۲). مفردات ألفاظ القرآن، نشر دارالقلم.
- شریفی، احمد حسین (۱۳۹۱). همیشه بهار؛ اخلاق و سبک زندگی اسلامی. تهران: انتشارات سروش.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳). المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء: امیرکبیر.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرين و مطلع النیرین، ج ۳، نشر مرتضوی.
- فاضلی، محمد (۱۳۹۸). مصرف و سبک زندگی. تهران: نشر نی.
- مدرسی، محمدتقی (۱۳۷۷). من هدی القرآن، انتشارات دار محبی الحسین.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). پیرامون انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). سیری در سیره نبوی، انتشارات صدرا.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۲). شرح حدیث جنود عقل و جهل، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).